

یادداشت

دولتی‌سازی با حداکثر سرعت



امیرحسین کاکایی

عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

سال گذشته با شعار سال رهبر معظم انقلاب و دستورات رئیس‌جمهور برای صنعت خودرو، بارقه‌هایی از امید در صنعت خودرو دیده شد. ابتدای سال همه منتظر اقدامات جدی وزارت صمت برای افزایش کیفیت، کاهش واقعی قیمت‌ها در بازار و رقابت‌پذیری صنعت خودرو در داخل و خارج از کشور و واردات گسترده برای رقابتی شدن بازار و حذف کامل قرعه‌کشی و بازگشت حالت عادی به بازارها بودند. البته در شعار سال، راهکار توجه به امور دانش‌بنیان و اشتغال‌مبندی بر آن و همچنین در دستورات رئیس‌جمهوری به راهکار خصوصی‌سازی و واگذاری تصدی‌گری به بخش خصوصی مطرح شده بود. امسال هم مقام معظم رهبری دوباره در شعار سال و البته سخنرانی‌های مهم ابتدای سالشان، خیلی واضح به توجه جدی به تولید و البته واگذاری و عملیات به مردم از طریق بخش خصوصی و تعاونی توصیه فرمودند. اما وزارت صمت با وجود تمام دستورات، قانونگذاری‌ها و جلسات و تفاهم‌ها، نه تنها به سمت اجرای اصل ۴۴ در جهت واگذاری تصدی‌گری و رقابتی کردن بازار و صنعت حرکت نکرد، بلکه به سمت دولتی کردن مسیرهای کسب‌وکار خودرویی، حتی کار فروش خودرو رفت. البته در دهه ۶۰ همه چیز کوپنی بود و به‌خاطر جنگ شاید چنین کارهایی اجتناب‌ناپذیر می‌نمود، اما در سال ۱۴۰۱، بیست سال بعد از ابلاغ سیاست‌های ذیل اصل ۴۴، با این همه دستور مقام معظم رهبری، این راهبرد به سمت دولتی شدن کسب‌وکار، کمی عجیب است. دولت در کل سال ۱۴۰۱، با وجود آگاهی از زیانده بودن دو خودروساز و لزوم اصلاح قیمت‌ها، با این ادعا که مسئولان در حال تدوین یک روش جدید قیمت‌گذاری هستند، موضوع اصلاح قیمت‌ها و روش‌های قیمت‌گذاری را معطل کرد و دوباره خسارت بزرگی به این دو خودروساز وارد شد. در نتیجه این تفلل‌ها، قیمت‌ها در بازار هم برای خود بالا و پایین می‌شد. یک سال دیگر توزیع رانت از جیب سهامدار ادامه پیدا کرد. همچنین موضوع واردات در هزار توی روابط نهادها آنقدر پیچید که نه تنها خودرویی تا آخر سال وارد نشد، بلکه به بهانه آن، کنترل، قیمت‌گذاری و فروش خودروهای وارداتی را که قرار بود عملی برای رقابت و کاهش قیمت‌های بازار بشود، به دست دولت افتاد. جالب اینجاست که خود دولت مستقیم در مذاکرات واردکنندگان دخالت کرده و خود عملاً جایگزین واردکنندگان حرفه‌ای شد. به‌طوری‌که امروز که ادعا می‌شود واردات خودرو آغاز شده، نمی‌توانید اسمی از واردکنندگان حرفه‌ای یا سابقه بشنوید و جالب اینجاست که یک خودروساز دولتی، شاگرد اول این فرآیند است. در انتهای سال هم توسط مصوبه شورای رقابت فروش و قیمت‌گذاری تمامی خودروهای تولیدی و وارداتی سواری بر عهده وزارت صمت افتاد. این دفعه آخر پیش‌فروش رانتی دولتی به گونه‌ای انجام شد که تقریباً تمام تولید سال ۱۴۰۲، توسط دولت یکجا تعیین تکلیف و فروخته شد و عملاً بخش فروش و بازاریابی شرکت‌های خودروسازی، به‌مدت یک سال بیکار خواهند بود. در حقیقت در سال گذشته نه تنها دولت از قیمت‌گذاری دستوری کوتاه نیامد، بلکه وارد مرحله‌ای جدید از دخالت در صنعت خودرو شد و آن در اختیار گرفتن مهم‌ترین حلقه ارزش آفرینی کسب‌وکار خود، یعنی بازاریابی و فروش بود. البته مجلس هم با اجرای دو طرح خودروهای تولید تمامی خودروسازان هم جمعیت در شش ماه آخر سال به‌جای اینکه بازار خودرو را آرام کند و رقابت را توسعه دهد، ۷۰ درصد تولیدات خودروسازان اصلی را از مسیر مستقیم خارج کرد و بازار بیش‌ازپیش رانتی شد و دل‌ها، فاعل. تا با این سطح از دولتی شدن کسب‌وکار، به بهانه کنترل برنامه فروش، دخالت در برنامه‌های تولید تمامی خودروسازان هم افزایش یافت. همچنین با توجه به مدیریت ارز و بحث حمایت از داخلی‌سازی، دخالت دولت در مسیر تأمین و برنامه‌های آن بیشتر شد. در سال گذشته، دخالت وزارت صمت به کارهای جزئی‌تر اجرایی و فنی صنعت باز شد و حتی در تعیین نوع پلتفرم‌ها و فناوری‌ها وارد شد. در حالی که دو خودروساز برنامه‌های متعددی برای ارتقا داشتند، وزارت صمت طرحی به‌نام خودرو و اقتصادی را به دو خودروساز ارائه کرد. حتی اخیراً برنامه‌هایی برای تعیین نوع پلتفرم برای خودروهای تجاری هم دارد. این وزارتخانه به‌جای اینکه تسهیلمگر بخش خصوصی شود، خود عملاً مستقیم در مسیر حرکت‌های مالی، اقتصادی، بازاری و فنی بخش خصوصی مداخله می‌کند. اینها تنها گوشه‌ای از دولتی‌تر شدن فضای کسب‌وکار خودرو و خدمات پس از فروش آن بود. سوال اصلی اینجاست که آیا با این همه ورود به تصدی‌گری و دخالت مستقیم در اجرائیات، باز هم انگیزه و محرک برای حرکت بخش خصوصی و ابتکار عمل و نوآوری، و نهایتاً رقابت‌پذیری می‌ماند؟ بخش خصوصی که قیمت‌گذاری، فروش، توسعه و حتی برخی ارکان اصلی خریدش دست دولت است، چه انگیزه‌ای برای تحول و تحرک برای چابک شدن خواهد داشت؟ اما یک نکته مهم در این میان ماند که حیف است از قلم بیفتد و آن موضوع خصوصی‌سازی بود که عملاً در ابتدای سال ۱۴۰۲، تقریباً از برنامه‌های وزارتخانه حذف شده و کسی درباره آن صحبت نمی‌کند. به عبارتی وزارت صمت سعی می‌کند همچنان مسیر را طوری پیش ببرد که در عمل، خودروسازان، حتی در صورت خصوصی‌شدن کامل تحت امر مستقیم دولتی‌ها بمانند که به‌مناسبت اندام تصدی‌گری دولت خواهد بود. با ادامه برنامه‌ها، فعلی وزارت صمت، خودروسازها عملاً کارگر وزارتخانه خواهند شد.

خبر

دلیل حضور، دزدان دریایی آمریکاست

دربارادار شهرام ایرانی، فرمانده نیروی دریایی ارتش گفت: امروز اگر در منطقه دزدی دریایی حاکم شده به دلیل حضور غیرموجه آمریکا در منطقه است و حمایت از آن‌ها از دزدان دریایی منطقه را آلوده می‌کند، اما به لطف خداوند و با تلاش جمهوری اسلامی ایران در حوزه دریا توانستیم امنیت را در منطقه صد درصد برقرار کنیم و این امنیت نه تنها فقط برای ما و منطقه بلکه برای جهان است. جالب است آن‌ها در شرایطی که کشتی‌هایشان احتیاج به کمک دارد به آن‌ها کمک نمی‌کنند، اما ما به آن‌ها هم کمک می‌کنیم و حضور آن‌ها واقعا زیادی است و بهتر است به خانه‌های خود بروند. تجهیزاتاتی که در اختیار نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران است از بالاترین فناوری برخوردار بوده که مفهوم آن بالاترین درجه علمی کشور و نشان دهنده بالاترین درجه صنعت کشور است.

محمد هاشمی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

رئییسی باید استراتژی تنش‌زدایی هاشمی را در منطقه دنبال کند

- توافق ایران و عربستان در راستای استراتژی دولت هاشمی بود
- در ماه‌های اخیر بر خ‌ی بایدها و نبایدها نایده گرفته شد
- دولت با ثبات مدیریتی بهتر می‌تواند برنامه‌ریزی کند
- توافق با عربستان می‌تواند زمینه‌های گشایش‌های دیگری را فراهم کند
- حاکمیت زمینه‌های مشارکت بیشتر مردم را در انتخابات به وجود بیاورد



آرمان ملی – احسان انصاری: محمد هاشمی رفسنجانی، رئیس پیشین سازمان صداوسیما و برادر و رئیس دفتر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت نظام بود. فردی که از ابتدای انقلاب تا کنون در فضای سیاسی کشور حضور داشته و همه‌فراز و ونسب‌ها را به چشم دیده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی چالش‌های موجود و چشم‌انداز آینده با محمد هاشمی گفت‌وگو کرده است. هاشمی معتقد است: یکی از استراتژی‌های مهمی که در دولت آقای هاشمی دنبال می‌شد تنش‌زدایی در سطح منطقه و گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان بود. توافقی که در هفته‌های اخیر بین ایران و عربستان صورت گرفت در راستای استراتژی‌ای بود که دولت آقای هاشمی دنبال می‌کرد. در دولت آقای هاشمی رویکرد تنش‌زدایی در منطقه در دستور کار قرار داشت که در دولت احمدی‌نژاد متوقف شد و رویکرد دیگری در دستور کار قرار گرفت. دولت آقای رئیسی نیز باید همان استراتژی تنش‌زدایی منطقه‌ای دولت آقای هاشمی را دنبال کند. در ادامه حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

در حالی که کارشناسان از مدت‌ها قبل نسبت به ضعف برخی مدیران هشدار می‌دادند آقای رئیسی به تاژی‌گی چند وزیر و مدیر ارشد دولت را تغییر داده است. این تغییرات به چه میزان می‌تواند در روند حرکت دولت مثبت باشد؟ آیا این تغییرات را کافی می‌دانید؟

واقعیت این است ما از بیرون نمی‌توانیم به صورت دقیق از درون دولت صحبت کنیم. به هر حال در درون دولت حضور نداریم و از جزئیات تصمیم‌ها و دلایل آنها بی‌اطلاع هستیم. این وجود نکته‌ای که درباره مدیریت کلان کشور وجود دارد این است که ثبات مدیریتی باید وجود داشته باشد و هر چه یک سیستم از ثبات مدیریتی بیشتری برخوردار باشد به همان صورت می‌تواند برای رسیدن به نتیجه مطلوب امیدوارتر باشد. این وضعیت تنها درباره دولت مصداق ندارد بلکه درباره سازمان‌ها و نهادهای مختلف وجود دارد. هر چه ثبات مدیریت بیشتر باشد به همان اندازه احتمال موفقیت یک مجموعه بیشتر خواهد شد. تغییراتی که در کوتاه‌مدت در دولت انجام می‌شود ثبات مدیریتی را از بین می‌برد. به عنوان مثال هنگامی که یک وزیر تغییر می‌کند و وزیر جدید روی کار می‌آید به دنبال تغییر معاونان و کسانی است که با مشی و روش کاری وی همراه باشند. به همین دلیل معاونان را نیز تغییر می‌دهد. به همین دلیل یک تغییر وزیر زمینه‌های بی‌ثباتی را در زیرمجموعه به وجود می‌آورد. از این نظر من تغییر مکرر وزرا و مدیران ارشد دولت را تأیید نمی‌کنم و معتقدم هر چه هم یک مدیر ضعیف باشد تغییر و بی‌ثباتی‌های ناشی از آن ضرر بیشتری به آن مجموعه خواهد زد.

آیا این موضوع درباره دولت سیزدهم که در برخی زمینه‌ها با ضعف مدیریت مواجه بوده نیز مصداق پیدا می‌کند؟

این موضوع درباره هر دولتی اعم از دولت آقای رئیسی و یا هر فرد دیگری مصداق دارد. در علم مدیریت ثبات مدیریت مورد تأکید قرار گرفته است. این وضعیت درباره هر سازمان و نهادی

وجود دارد. ثبات در مدیریت در یک مجموعه شرایطی را به وجود می‌آورد که آن مجموعه بتواند به صورت بهتری برنامه‌ریزی کند.

در شرایط کنونی دولت با چالش‌هایی در عرصه بین‌المللی مواجه است که عبور از این چالش‌هایی تواند تا حدود زیادی شرایط مدیریت کشور را بهتر کند

به نظر شما دولت چگونه می‌تواند این چالش‌های بین‌المللی را از بین ببرد؟

یکی از اتفاقات خوبی که در هفته‌های اخیر در زمینه منطقه‌ای و بین‌المللی رخ داد توافق ایران و عربستان و از سرگیری روابط دو کشور پس از هفت سال بود. این اتفاق خوبی است که می‌تواند زمینه‌های گشایش‌های دیگری را نیز برای کشور به وجود بیاورد. من بر این باور هستم که هر چه بیشتر بتوان این رویکرد را گسترش داد و با کشورهای دیگر جهان نیز تعامل داشت به سود مردم و

یکی از استراتژی‌های مهمی که در دولت آقای هاشمی دنبال می‌شد تنش‌زدایی در سطح منطقه و گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان بود. توافقی که در هفته‌های اخیر بین ایران و عربستان صورت گرفت در راستای استراتژی‌ای بود که دولت آقای هاشمی دنبال می‌کرد. در دولت آقای هاشمی رویکرد تنش‌زدایی در منطقه در دستور کار قرار داشت که در دولت احمدی‌نژاد متوقف شد و رویکرد دیگری در دستور کار قرار گرفت



تردید اگر این اتفاق در کشور رخ می‌داد با خود رونق اقتصادی به وجود می‌آورد. امور ساختمانی به مصالح مختلفی نیاز دارد که تأمین آنها می‌تواند بخش‌های مختلف تولیدی را رونق بدهد. اگر دولت بتواند به وعده‌هایی که در این زمینه داده جامعه عمل ببوشاند واحدهای تولیدی زیادی فعال می‌شوند. اگر واحدهای تولیدی افزایش پیدا کند میزان اشتغال نیز افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر بحران مسکن نیز در کشور فروکش می‌کند و سامانه‌های می‌شود. هنگامی که به‌واسطه این رویکرد نرخ بیکاری کاهش پیدا کند ارزش پول بالا می‌رود. این موضوع می‌تواند در مهار تورم و رشد تولید که شعار امسال است موثر باشد. به همین دلیل ساخت یک میلیون مسکن می‌توانست در کشور رونق تولید و کاهش تورم به وجود بیاورد که متأسفانه براساس آمارهای رسمی این اتفاق در کشور رخ نداد. براساس آمارهایی که دولت عنوان می‌کند تنها ۲۵ درصد وعده دولت در این زمینه تحقق پیدا کرده است. این در حالی است که اگر دولت بتواند به وعده‌های خود در این زمینه عمل کند تا حدود زیادی می‌تواند به رونق تولید در کشور کمک کند.

کشور خواهد بود. به هر حال ارتباط با کشورهای جهان به جز اسرائیل باید در دستور کار دولت قرار بگیرد. ما باید براساس حفظ منافع خود با همه کشورهای جهان ارتباط داشته باشیم. با این وجود این ارتباط باید براساس منافع کشور صورت بگیرد و به سود کشور باشد در غیر این صورت ضرورتی برای آن وجود ندارد. یکی از استراتژی‌های مهمی که در دولت آقای هاشمی دنبال می‌شد تنش‌زدایی در سطح منطقه و گسترش روابط با کشورهای منطقه و جهان بود. توافقی که در هفته‌های اخیر بین ایران و عربستان صورت گرفت در راستای استراتژی‌ای بود که دولت آقای هاشمی دنبال می‌کرد. در دولت آقای هاشمی رویکرد تنش‌زدایی در منطقه در دستور کار قرار داشت که در دولت احمدی‌نژاد متوقف شد و رویکرد دیگری در دستور کار قرار گرفت.

چگونه می‌توان استراتژی تنش‌زدایی منطقه‌ای و گسترش روابط با جهان که استراتژی دولت آقای هاشمی بود را در شرایط کنونی نیز اجرایی کرد؟ آیا دولت می‌تواند از توافق ایران و عربستان برای احیای برجام و رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران استفاده کند؟

دولت آقای رئیسی نیز باید همان استراتژی تنش‌زدایی منطقه‌ای دولت آقای هاشمی را دنبال کند. رهبران عربستان نیز قبل از توافق با ایران عنوان می‌کردند که باید برجام احیا شود و به سود کشورهای منطقه است که برجام احیا شود. البته موضوع برجام از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. نخست در زمینه ثبات و امنیت منطقه و جهان است و ما باید بپذیریم که احیای برجام برای ثبات و امنیت منطقه و جهان مهم است و آثار مهمی به همراه خواهد داشت. عربستان قبل از توافق با ایران به آمریکا این پیشنهاد را داده بود که به برجام بازگردد و به دنبال این بودند که این اتفاق رخ بدهد.

مهم‌ترین چالش دولت در سال جاری در زمینه اقتصادی خواهد بود. دولت چگونه می‌تواند چالش‌های موجود اقتصادی و معیشتی مردم را مرتفع کند؟

دولت آقای رئیسی وعده‌ها و شعارهای اقتصادی زیادی به مردم دادند. به عنوان مثال عنوان کردند که سالانه یک میلیون مسکن در کشور می‌سازند. بدون تردید اگر این اتفاق در کشور رخ می‌داد با خود رونق اقتصادی به وجود می‌آورد. امور ساختمانی به مصالح مختلفی نیاز دارد که تأمین آنها می‌تواند بخش‌های مختلف تولیدی را رونق بدهد. اگر دولت بتواند به وعده‌هایی که در این زمینه داده جامعه عمل ببوشاند واحدهای تولیدی زیادی فعال می‌شوند. اگر واحدهای تولیدی افزایش پیدا کند میزان اشتغال نیز افزایش پیدا می‌کند و از سوی دیگر بحران مسکن نیز در کشور فروکش می‌کند و سامانه‌های می‌شود. هنگامی که به‌واسطه این رویکرد نرخ بیکاری کاهش پیدا کند ارزش پول بالا می‌رود. این موضوع می‌تواند در مهار تورم و رشد تولید که شعار امسال است موثر باشد. به همین دلیل ساخت یک میلیون مسکن می‌توانست در کشور رونق تولید و کاهش تورم به وجود بیاورد که متأسفانه براساس آمارهای رسمی این اتفاق در کشور رخ نداد. براساس آمارهایی که دولت عنوان می‌کند تنها ۲۵ درصد وعده دولت در این زمینه تحقق پیدا کرده است. این در حالی است که اگر دولت بتواند به وعده‌های خود در این زمینه عمل کند تا حدود زیادی می‌تواند به رونق تولید در کشور کمک کند.

دولت آقای رئیسی وعده‌ها و شعارهای اقتصادی زیادی به مردم دادند. به عنوان مثال عنوان کردند که سالانه یک میلیون مسکن در کشور می‌سازند. بدون

نگره

دیپلماسی مقتدرانه ایران و امنیت مرزهای غربی

یکی از موضوعاتی که در دو سال اخیر به طور خاص در روابط میان ایران و همسایگان شاهد بودیم افزایش تحرکات و اقدامات گروهک‌های مسلح مستقر در اقلیم شمال عراق (از جمله کومله، دموکرات، پاک، پژاک و...) علیه منافع و امنیت ملی کشورمان است که منجر به موجی از هشدارهای شدیدالحن از سوی مقامات نظامی و سیاسی هم شده است. البته این هشدارها چندین مرتبه هم منتج به ضرب‌های هدفمند از سوی نیروهای مسلح کشورمان به مقر فرماندهان برخی از گروهک‌های مسلح مستقر در اقلیم کردستان در سال‌های اخیر هم شد.

حقوق دفاع مشروع ایران در برابر تجاوزگران بر اساس آنچه که «ماده ۵۱ منشور ملل متحد» تصریح کرده، هر کشور عضو سازمان ملل می‌تواند به تهدیدات علیه امنیت ملی خود در خارج از مرزها پیش از آنکه شورای امنیت در خصوص آن تصمیمی اتخاذ کند، پاسخ لازم را بدهد. گفتنی است که پرونده ناامنی مرزهای غربی برای ایران بیش از دو دهه است که از سوی گروهک‌های نامبرده در سطوح فوق، مفتوح است و آنها انواع اقدامات و تحرکات تروریستی و خرابکارانه را علیه مردم ایران به خصوص در شهرهای غربی مانند ایلام می‌دهند که در مقابل با «صبر راهبردی ایران» صرفاً توصیه و هشدارهایی را دریافت کردند، اما این موضوع می‌توانست به شکل دیگری برای آنها تمام شود. در همین راستا، محافل رسانه‌ای داخلی و بسیاری از کاربران فضای مجازی با همراهی و استقبال از عزم جزم نیروهای مسلح کشورمان در تأمین امنیت مرزها و برخورد لازم و قاطع با گروهک‌ها در قالب «حقوق دفاع مشروع ایران»، نسبت به این مهم واکنش نشان دادند. یکی از اولین هشدارهای جدی مقامات کشور در سال‌های اخیر، از سوی «سردار محمد پاکپور» فرمانده نیروی زمینی سپاه بود که با اشاره به سوءاستفاده گروهک‌های تروریستی و مسلح از اقلیم شمال عراق برای ایجاد ناامنی در مناطق مرزی ایران تأکید کرد که ادامه این وضعیت برای ما قابل تحمل نیست و پاسخ لازم را به تروریست‌ها خواهیم داد. در واقع انطور که از شواهد و قرائن (موضوع مسئولین سیاسی، نظامی و امنیتی ایران نسبت به لزوم رفع این مشکل) پیداست، عزم جزم نظام بر خلع سلاح یا اخراج گروهک‌های مستقر در اقلیم کردستان عراق و ایجاد آرامش و امنیت در مرزهای غربی کشور، استوار است.

ایران اینترنشنال تریبون سران گروهک‌های ضدانقلاب

در این میان رسانه‌های فارسی زبان معاند به ویژه شبکه ایران اینترنشنال که دفتر آن اخیراً از لندن به واشنگتن منتقل شده، با گفت‌وگوهایی متعددی که با رهبران گروه‌های مسلح کردی مهمی در مشروعیت بخشی به فعالیت‌های تروریستی و خرابکارانه آنها علیه مردم ایران ایفا کرده‌اند، در حوادث پاییز ۱۴۰۱ نیز که بنا به شواهد و مستندات دستگاه‌های امنیتی کشورمان، تأثیرگذاری مستقیم و جدی جریان‌های ضدانقلاب مستقر در اقلیم شمالی عراق منسجم شده است، این شبکه و طیفه خود را در نمایش هرچه بیشتر اظهارات و مواضع رهبران گروه‌های فوق‌الذکر ایفا کرد و به تریبونی جهت نفرت پراکنی، تبلیغ اقدامات تروریستی و عوض کردن جای جلا و شهید، تبدیل شد. از جمله کسانی که شبکه ایران اینترنشنال تمایل زیادی به بزرگ‌نمایی و ضرب‌دادن به آنها و گروه‌های تروریستی منتسب به آنها داشته و دارد، «عبدالله مهدتی» دبیر کل کومله و «خالد عزیزی» دبیر کل حزب دموکرات کردستان است. همان‌طور که گفته شد، رسانه‌های فارسی زبان معاند و محافل سیاسی غربی از گروهک‌های ضدانقلاب مستقر در اقلیم شمالی عراق به عنوان «حزب سیاسی» یاد می‌کنند که بسیار قابل تامل است و جای تعجب دارد. در کجای دنیا می‌توان چنین تعریفی را از احزاب سیاسی ارائه داد؟ کدام کشور می‌پذیرد که گروه‌های مخالف آن با رویکرد و خط‌مشی کاملاً مسلحانه و با سابقه عملیات‌های متعدد تروریستی علیه مردم و مسئولین آن، از سوی رسانه‌های دیگر کشورها به عنوان حزب سیاسی قلمداد شود؟ از این روی هست که بارها مقامات ایران دو درخواست کلی و مشخص را از طرف عراقی و مسئولین محلی اقلیم شمالی آن کشور داشته و دارند و آن این است که این گروه‌ها یا باید به طور کامل «خلع سلاح» شده و به فعالیت‌های سیاسی روی آورند یا آنکه دیگر در آن منطقه ساکن نباشند و به تعبیر دیگر «خراج» شوند.

اقدام دیپلماتیک در تأمین امنیت مرزهای غربی

پس از کش و قوس‌های بسیار در این مساله، نهایتاً با همکاری و هماهنگی میان دستگاه‌های دیپلماسی و سایر نهاد‌های مرتبط با این مساله (ارسال پیام‌های مختلف دیپلماتیک به مقامات بغداد و اربیل جهت کنترل موضوع گروه‌های مستقر در اقلیم شمالی عراق و مطرح کردن این موضوع در دیدارهای رسمی و غیررسمی سیاسی میان مقامات دو طرف)، اقدامات دیپلماتیک توانمان با ضربات نیروهای مسلح که پیشتر بدان اشاره شد به نتایج مثبتی رسید. چندی پیش هم در این ارتباط «حسن امیرعبداللهیان» در دیداری که با «قاسم الاعرجی» مشاور امنیت ملی عراق داشت، اینگونه گفت که: «حضور هر گونه جریان‌های ضدانقلاب و جدایی طلب در اقلیم کردستان را غیرقابل قبول و این مساله را موجب ایجاد تهدیدات علیه کشورمان، عراق و حتی اقلیم کردستان می‌دانیم».